

در این راستا، برای جلوگیری از اثرات مضاعف و تشدید کاهش قدرت خرید مصرف‌کننده و هزینه‌های تولید لازم است این تغییرات با فاصله زمانی همراه باشد و ابتدا باید با حذف آرام یارانه‌ها برای مصرف و پس از مدتی با کاهش تدریجی برای تولیدکننده از شدت اثرات این طرح تا حدودی کاست. در این راستا توزیع منطقی زمانی برای اجرا در یک دامنه پنج ساله می‌تواند تا حدودی اثرات نامطلوب طرح را کاهش دهد.

راهکار دیگر، اختصاص ارقام منطقی از محل عواید ناشی از آزادسازی یارانه‌ها است که لازم است این سهم متناسب با تولید و تورم در داخل باشد. طولانی شدن عمر اجرای این طرح از راهکارهایی است که دولت در عملیاتی کردن آن ناگزیر است. برقراری سازوکارهایی چون برقراری تسهیلات بانکی با شرایط مناسب، تضمین‌های دولتی، تخفیفات مالیاتی و بیمه‌ای، مشوق‌های تولید و صادرات از دیگر راهکارهای پیشنهادی برای به حداقل رسیدن اثرات حذف یارانه‌های تولیدی است. ■

توجه‌پذیری بالایی برخوردار نیست و در این سال‌ها در جذب سرمایه‌های خارجی در تأمین مالی طرح‌های تولیدی ناموفق بوده‌ایم که شاید بخش اعظمی از آن را بتوان به ریسک‌های سیاسی نسبت داد، اما در شرایط کنونی و با اجرای نادرست طرح نقدی شدن یارانه‌ها، احتمالاً این میزان سرمایه‌گذاری‌های کنونی نیز با چالشی جدی مواجه خواهد شد. مضاف بر این وقایع، نباید افزایش تقاضا برای کار را به دلیل کاهش سطح زندگی مردم و کاهش عرضه کار از طرف صنایع را به دلیل افت تولید و رکود فراموش کنیم. این امر به معنای برهم خوردن توازن در بازار کار و افت سطح دستمزدها خواهد بود که خود این موضوع، می‌تواند سطح تقاضای کل جامعه را کاهش داده و موجبات رکود مجدد را در صنایع فراهم سازد. به هر حال به نظر می‌رسد در صورتی که دولت با طیب خاطر و بدون پشتوانه‌های کارشناسانه به این اقدام دست بزند، باید کرکره تولید را برای همیشه پایین کشید.

## دردهای صنعت نفت

# "پارادوکس‌ها عذاب آورند"



## تحلیل دکتر مهدی کرباسیان، کارشناس مسایل انرژی و رییس سابق صندوق بازنشستگی وزارت نفت

در این زمینه معضل بزرگ صنعت نفت کشور ما مسأله مالی است که از بُعد تأمین منابع مالی و قوت‌مندی شرکت‌ها به نحوی که بتوانند با پشتوانه مناسب، وظایف خود را به درستی به انجام برسانند، حایز اهمیت است و این ضعف شرکت‌های پیمانکاری ایرانی است. دلیل آن هم به ضعف بنیه مالی این شرکت‌ها و ناتوانی آنان در مقابله با شرکت‌های بزرگ بین‌المللی در کنار ضعف سیستم بانکی و بیمه‌ای کشور که توان تأمین مالی وسیع این شرکت‌ها را ندارند، برمی‌گردد.

### پارادوکس‌هایی متفاوت

ما بعضاً در قوانین و مقررات اقتصادی‌مان با پارادوکس‌های جلی مواجه هستیم. از یک طرف به واگذاری کار به شرکت‌های ایرانی معتقدیم، از طرفی به واردات فناوری روز دنیا اصرار داریم و از طرف دیگر دخالت دولت را در بسیاری از پروژه‌های بزرگ ملی شاهدیم. به علاوه، بخش خصوصی ما ضعیف است و سیستم پولی و ارزی پرجالشی را در کشور شاهدیم. نرخ تورم و بهره بانکی بالایی داریم و لذا پیمانکاری را نمی‌یابیم که با نرخ بهره ۲۵ درصد بتواند فعالیت کند. در کنار این مسایل، گسستگی سیستم بانکی کشور از سیستم بانکی بین‌المللی معضل دیگری است. سیستم شفافیتی هم برای جابه‌جایی پول از داخل به خارج و برعکس نداریم. همه این موارد در کنار بحث تحریم جهانی مهم هستند. معضل دیگر این است که بودجه در کشور ما به درآمدهای نفتی متصل است و با کاهش درآمدهای نفتی با مشکلاتی همچون عدم پرداخت به موقع و کافی صورت وضعیت‌ها، عدم تأمین ضمانت‌نامه‌ها، مشکلات مربوط به خرید کالا و عدم شفافیت قراردادهای بسته‌شده، به دلیل مقررات و قوانین مبهم و در نهایت، تشدید گرفتاری‌های پیمانکاران داخلی مواجه خواهیم شد.

### دست چندی‌ها

با نگاهی به شرکت‌های سرمایه‌گذار در صنعت نفت ایران باید به این حقیقت

با نگاهی به کلیه تحولات موجود در بازار نفت، از کشف منابع جدید گرفته تا قیمت‌های بالای نفت در سال‌های اخیر و با امعان نظر به این که کشور ما از بُعد منابع گازی در جایگاه دوم جهان قرار گرفته است، باید به این حقیقت اذعان داشت که همچنان نفت و انرژی مهمترین موقعیت سرمایه‌گذاری و درآمدزایی برای کشور ما محسوب می‌شوند. بدیهی است در این رابطه در سه بخش عمده اکتشاف، تولید و بهره‌برداری، قراردادهای نفتی و نقش شرکت‌های ایرانی از اهمیت بالایی برخوردارند. با نگاهی به تاریخچه نفت درمی‌یابیم حضور نیروهای خارجی در عرصه صنعت نفت ایران در گذشته و بروز و ظهور توانایی‌های ایرانی، به خصوص پس از تحریم‌های جهانی که برای کشور ما به عنوان یک موقعیت برای بازیابی توان شرکت‌های داخلی در تجهیز صنعت نفت محسوب می‌شوند، دو دوره مجزا را در بحث تولید در صنعت نفت به وجود آورده است. حدود ۱۵ سال گذشته، نهایتاً شرکت‌های ایرانی با همکاری شرکت‌های خارجی به حدی از توان رسیده‌اند که در بسیاری از فعالیت‌های با فناوری بالا نیز حرفی برای گفتن دارند. در پالایشگاه‌های ۹ و ۱۰ پارس جنوبی، بخش اعظمی از فعالیت ساخت‌وساز به وسیله شرکت‌های داخلی صورت گرفته و شرکت‌های خارجی نقش اندکی در توسعه صنعت نفت کشور ما دارند.

اما یک نکته را نباید فراموش کرد و آن این که پیمانکاران داخلی چه در ساخت و چه پیمانکاری و حتی طراحی و مهندسی، باید همواره با علم روز دنیا در ارتباط باشند. همکاری با شرکت‌های خارجی علاوه بر آن که منجر به تسریع در عملیات و اجرای کار می‌شود، بر ارتقا و بهبود در به روز رسانی علمی، انضباط در کار و ایجاد و انتقال فرهنگ پیشرفته و تخصص پیمانکاران بزرگ و فراملیتی به پیمانکاران داخلی ما، تأثیر فراوانی دارد. لذا این تصور که باید از صفر تا صد کار توسط پیمانکاران داخلی انجام شود، راه به بیراهه بردن است.

نکته دوم آن که اگر چه دولت در سال‌های گذشته با صادرات خدمات فنی و مهندسی در حال حمایت از صنعت است، اما این میزان حمایت‌ها به حدی که پیش‌بینی می‌شد نرسیده و این امر ضرورت حمایت بیشتر دولت را از بخش نفت گوشزد می‌کند. در این صورت است که شرکت‌های ما قادر به ارتباط و رقابت با شرکت‌های بین‌المللی خواهند بود.

سیاست‌های درستی در پیش گرفته شود و اصل بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی و پیاده‌سازی واقعی اصل ۴۴ قرار گیرد، با اعتماد کامل به بخش خصوصی، می‌توان با راهکارهایی که خود بخش خصوصی پیشنهاد خواهد کرد به ارتقای تولید و بهبود روند رو به رشد صنعت امیدوار بود، اما واگذاری شرکت‌ها به دولت و نهادهای وابسته به آن، عملی شدن اهداف مورد نظر را در سیاست‌های پیش رو با مشکل مواجه خواهد کرد.

در نهایت باید گفت استقلال اقتصادی، مهمترین موضوع در کشور و به خصوص در صنایع نفت و گاز است و باید بیشترین بهره‌مندی از این منابع خدادادی در راستای بهبود وضعیت اقتصادی و ایجاد رفاه برای عموم مردم صورت گیرد. لذا برای این منظور باید با دوری از تصمیماتی که گاهی غلط یا بی‌موقع اتخاذ می‌شوند، راه را برای توسعه این صنعت هموار کرد. ■

## اقتصاد مخفی در ایران

# پلی از تولید به دلالتی

## ارزیابی آقای غلامرضا سلامی، رییس شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران و عضو شورای سیاست‌گذاری ماهنامه «اقتصاد ایران»



نیز می‌انجامد که این امر از دیگر تبعات منفی اقتصاد زیرزمینی و قاچاق است. موضوع اخیر را می‌توان همان نتیجه عدم شفافیت در اقتصاد و اثر آن بر فساد در جامعه و مدیریت کشور دانست که البته تنها به کالاهای قاچاق منحصر نیست و حتی در این فضا نمی‌توان به تولیدکننده و آمار تولیدی او اعتماد کرد و احتمال دستکاری در دفاتر در این شرایط منتفی نیست. در این شرایط پول‌های بادآورده‌ای که در این بین خلق می‌شوند انگیزه فعالیت تولیدی را به میزان زیادی از بین می‌برند، چرا که با نرخ بازدهی و سود پایین تولید در جامعه که بخشی از آن نیز به عنوان مالیات کسر می‌شود، در کنار سودآوری بالای واردات و البته بدون پرداخت عوارض، تولیدکننده ترجیح می‌دهد واسطه باشد تا تولیدگر. لذا اعتقاد نیروی تولیدگر جامعه نسبت به تولید و خلق ارزش افزوده سست می‌شود و انگیزه تلاش از بین می‌رود و سازوکارهای اقتصاد زیرزمینی جای آن را می‌گیرند. با کمی دقت می‌توان پی برد که بسیاری از کالاها به صورت قاچاق به کشور وارد می‌شوند و بسیاری از کالاها نیز به منظور فرار مالیاتی به نام اشخاص دیگری غیر از واردکننده اصلی وارد می‌گردند.

### اقتصاد دولتی و اقتصاد زیرزمینی

حضور گسترده دولت در اقتصاد به تشدید اقتصاد زیرزمینی منجر می‌شود. به عنوان مثال، پیش از ایجاد بورس کالا و یا آزادسازی قیمت سیمان، محصولاتی نظیر فولاد، پتروشیمی و سیمان که اکثراً توسط شرکت‌های دولتی تولید می‌شد و باید به قیمت مصوب شورای اقتصاد به فروش می‌رسید، وقتی به دست مصرف‌کننده می‌رسید، به قیمت‌های بالا فروخته می‌شد که این به معنای وجود بالایی رانت و فساد در این بخش بود. شرکت‌های اقماری که در کنار فعالیت شرکت‌های دولتی فعالیت می‌کردند در جهت تأمین بخشی از درآمدهای اقتصاد زیرزمینی برای تعداد معدودی از خواص کشور به وجود می‌آمدند که این امر به مشکلات ناشی از اقتصاد زیرزمینی دامن می‌زد.

نکته قابل ذکر دیگر این است که ورود درآمدهای ناشی از اقتصاد زیرزمینی به بخش مولد جامعه، می‌تواند تا حدودی به جبران مافات بی‌انجامد، اما متأسفانه عادت به حضور در

اذعان داشت که در جریان تحریم‌های صورت گرفته، این روزها حضور شرکت‌های درجه سه و چهار را در زمینه سرمایه‌گذاری در صنعت نفت کشور شاهدیم. شرکت‌های چینی و روسی که در ایران سرمایه‌گذاری می‌کنند، از اعتبار چندانی در دنیا برخوردار نیستند. حتی شرکت‌هایی نظیر استات‌اوایل و توتال، جزو شرکت‌های درجه یک محسوب نشده و از شرکت‌های درجه دو اروپا محسوب می‌شوند. باید بپذیریم تداوم این روند در بلندمدت، قطعاً به آفت صنعت نفت کشور منجر خواهد شد. در این رابطه باید توجه داشته باشیم که کشورهایی نظیر چین جهت کسب تکنولوژی و دانش فنی روز دنیا از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کنند و این به معنای ارزش و اهمیتی است که این کشورها به کسب فعالیت‌های نوآورانه در دنیای پیشرفته قایلند. پیمانکاری و قراردادهای ما نیز به همین شکل نیازمند ارتباط با شرکت‌های معتبر دنیا و افزایش و ارتقای توان ایرانی است. قطعاً در صورتی که

در بازار معاملات کالا و خدمات به دلایلی همچون ضعف سیستم نظارتی و قانونی نوعی بازار پنهان که به آن بازار زیرزمینی گفته می‌شود به وجود می‌آید. علاوه بر مواد مخدر و کالای قاچاق، برخی معاملات که اختصاص به کشورهایی همچون ایران دارد معاملاتی هستند که به دلیل عدم تمکین خریدار و فروشنده در برابر قوانین کشور، به خصوص قوانین مالیاتی به صورت پنهانی انجام می‌شوند. به عبارت دیگر تلاش عده‌ای فعال اقتصادی در جهت دور زدن محدودیت‌های قانونی جامعه به بروز اقتصاد زیرزمینی می‌انجامد. در کشورهای توسعه یافته برخلاف کشورهای در حال توسعه از آنجا که امکان فرار مالیاتی کمتر وجود دارد و ابزارهای کنترل فرار مالیاتی دقیق و قوی عمل می‌کنند، این امر به کاهش بروز اقتصاد زیرزمینی می‌انجامد. در این بین برخی اقتصاددانان با تأکید بر نقش معاملات آزاد اقتصادی در ارتقای تولید و رشد اقتصادی، مالیات را به عنوان ابزاری در جهت محدود نمودن این معاملات امری نامناسب تلقی می‌کنند. البته این نگرش صرفاً اقتصادی بوده و مسایل اجتماعی را در بر نمی‌گیرد. هرچند این امر از نظر اقتصادی هم به طور مطلق صحیح نیست، چراکه بسیاری از معاملاتی که در فضای اقتصاد زیرزمینی صورت می‌گیرد، معمولاً شامل معاملات واسطه‌گری است و ارزش افزوده‌ای را برای توسعه و رشد اقتصادی کشور ایجاد نمی‌کند. لذا اگر در برخی نظرات اقتصادی - که بر آزادسازی کامل بازار تأکید می‌کند - آزادی بازار ملاحظه است، چرا که این افراد با هر محدودیتی در برقراری بازار، مخالف هستند، ولی این مخالفت نباید به عنوان موافقت آنها با پدیده بازار زیرزمینی تلقی شود.

نگاهی به کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت که به حذف موانع تعرفه‌ای در تجارت خود اقدام نموده‌اند، این نکته را متذکر می‌شود که کاهش بروز پدیده قاچاق در این کشورها نتیجه اتخاذ چنین تصمیمی است، اما کشورهایی نظیر ایران که حذف موانع گمرکی برای آنان عملی نیست، همواره با مشکلاتی نظیر پدیده قاچاق کالا مواجه خواهند بود. در نتیجه دو اتفاق نامبارک ایجاد می‌شود. اول این که این پدیده به ایجاد یک نوع رانت در نتیجه عدم پرداخت عوارض گمرکی در این کشورها می‌انجامد و دوم این که آمار و اطلاعات اقتصادی که مبنای تصمیم‌گیری مسئولان اقتصادی کشور است مخدوش می‌شوند و عرضه و تقاضای پنهان موجود در محاسبات وارد نمی‌شود. به علاوه این نوع معاملات دارای پیامدهای فسادآمیزی است، به این معنی که زیر پا گذاشتن قانون به نتایجی همچون ارتشا و فساد مأموران دولتی